

خبر

وزیر ارتباطات:

ارزیابی کیفیت و نوع ارائه خدمات پیام‌رسان‌های داخلی در دستور کار است

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات گفت: ارزیابی کیفیت و نوع ارائه خدمات پیام‌رسان‌های داخلی به مردم به صورت ویژه در دستور کار قرار گرفته است. مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای به میزبانی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات با حضور سیدستار هاشمی، وزیر ارتباطات و معاونان وزارتخانه و مدیران و مسئولان پلتفرم‌ها و پیام‌رسان‌های داخلی عملکرد وزارتخانه و پیام‌رسان‌های داخلی در زمان جنگ ۴۰ روزه و پس از آن را بررسی کرده و راهکارهای توسعه کاربران و کیفیت و کمیت خدمات پیام‌رسان‌های داخلی را ارزیابی می‌کند. سیدستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، در حاشیه این نشست با بیان اینکه در وزارت ارتباطات در راستای برنامه‌های نظارتی کمیسیون‌های مختلف مجلس شورای اسلامی، میزان کمیسیون فرهنگی مجلس بودیم، گفت: یکی از موضوعاتی که همواره مورد دغدغه نمایندگان مردم در کمیسیون فرهنگی مجلس بوده و هست، تکالیف مندرج در برنامه هفتم پیشرفت است که در مدت ۱۶۵ روز در بحث شبکه ملی اطلاعات به صورت ویژه مدنظر قرار گرفته است و یکی از مؤلفه‌هایی زیرمجموعه شبکه ملی اطلاعات، بحث پیام‌رسان‌های داخلی است که جلسه امروز بیشتر حول محور همین موضوع تشکیل شد. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در ادامه تصریح کرد: موضوع مورد توجه در بحث پیام‌رسان‌های داخلی در حال حاضر این است که با توجه به شرایط جنگی حاکم بر کشور، حجم درخور توجهی از ترافیک و تقاضای مردم به سمت پیام‌رسان‌های داخلی سرازیر شد و در این میان همکاران ما در مجموعه وزارت ارتباطات و بخش ارتباطات کشور تلاش کردند حمایتی ویژه از ظرفیت‌ها و سکوهای داخلی، از جمله سکوی شاد در بحث آموزش و پرورش کشور و همچنین پیام‌رسان‌های اپنا و بله و امثالهم داشته باشند که امروز گزارش آن به نمایندگان کمیسیون فرهنگی مجلس ارائه شد. هاشمی در ادامه تصریح کرد: امروز همچنین بحث‌های بسیار مفصلی راجع به ظرفیت‌های هرچه بیشتر برای تعامل و همکاری و ارتقای کیفیت خدمات پیام‌رسان‌های داخلی شد که امیدواریم این قبیل جلسات کمک کند که بتوانیم خدمات مطلوب‌تری به مردم عزیزمان از طریق سکوهای داخلی ارائه دهیم. یکی از دستاوردهای این جلسه این بود که کمیسیون فرهنگی در بحث منابع وزارت ارتباطات کمک کند که ما بتوانیم کمک ویژه‌تر و بیشتر به پیام‌رسان‌های داخلی داشته باشیم. از طرفی ارزیابی کیفیت و نوع ارائه خدمات این پیام‌رسان‌ها به مردم هم به صورت ویژه در دستور کار قرار گرفت که نظارت ویژه‌تری داشته باشیم.

سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس:

ایران با وجود ۱۵ همسایه عملا محاصره‌ناپذیر است

سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: تنگه هرمز هم گلوگاه اقتصاد انرژی دنیا و هم گلوگاه اقتصاد دیجیتال به دلیل عبور کابلهای فیبر نوری از بستر دریا است و ایران اسلامی اولین کشوری است که آمریکا را در تنگه هرمز تحقیر کرد. نماینده شیراز و زرقان در مجلس شورای اسلامی، گفت‌وگویی تلویزیونی با اشاره به اهداف دشمن از تبدیل جنگ نظامی به جنگ اقتصادی، گفت: دشمنان در رسیدن به اهداف اصلی خود یعنی از بین بردن توان موشکی، نابودی صنعت هسته‌ای ایران، ساقطکردن نظام جمهوری اسلامی، تجزیه ایران، شکست خورد و هدف خود را به بازگشایی تنگه هرمز تقلیل داد. نظام جمهوری اسلامی نشان داد که زنده و پویا است و توان بازآفرینی و بازسازی خود را دارد. او در ادامه با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران از یک قدرت منطقه‌ای به یک قدرت جهانی تبدیل شده است، اظهار کرد: در سیر مراحل جنگ، از جنگ نظامی که یک جنگ منطقه‌ای است، وارد جنگ اقتصادی شدیم که یک جنگ جهانی است که در یک طرف آن اقتصاد ایران و در طرف دیگر آن اقتصاد بخش بزرگی از جهان است. ابزارهای آفندی ایران در این جنگ جهانی اقتصادی شامل مدیریت تنگه هرمز، محاصره دریایی برخی از هم‌میانان آمریکا و در صورت نیاز مدیریت تنگه باب‌المندبج است و ابزار آفندی که آمریکا در اختیار می‌کند، شامل محاصره دریایی ایران است. سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس با تأکید بر اینکه خلیج فارس با حدود ۶۰ درصد از ذخایر نفت دنیا و بیش از ۴۰ درصد ذخایر گاز دنیا مهم‌ترین منبع انرژی جهان است، تصریح کرد: تنگه هرمز محل خروج این انرژی به سمت کشورهای دیباست؛ تنگه هرمز هم گلوگاه اقتصاد انرژی دنیا و هم گلوگاه اقتصاد دیجیتال به دلیل عبور کابلهای فیبر نوری از بستر دریاست و ایران اسلامی اولین کشوری است که آمریکا را در تنگه هرمز تحقیر کرد و آمریکا مجبور شد از دیگر کشورها تقاضای کمک کند. نماینده مردم شیراز در مجلس با اشاره به گزینه‌های آمریکا برای کنترل قیمت نفت افزود: گزینه‌های آمریکا شامل آزادسازی ذخایر استراتژیک نفت، افزایش تولید نفت شیل، مدیریت مصرف و عملیات روانی در شروع بازارهای مالی است که اثر کوتاه‌مدت دارد. طرح محاصره دریایی آمریکا سبز (حدود چهار هزار کیلومتر مزر خشکی، دو هزار کیلومتر مزر رودخانه‌ای، دوهزارو ۷۰۰ کیلومتر مزر دریایی) و همسایگی با ۱۵ کشور عملا محاصره‌ناپذیر است. این نماینده مجلس در ادامه بیان کرد: در جنگ اقتصادی باید دستگاه‌های متولی اقتصاد، آرایش جنگی بگیرند. سخنگوی جنگ اقتصادی باید مشخص باشد و رسانه‌ها به صورت افتاعی عمل کنند، نه اعلامی. همچنین در جنگ اقتصادی، در مسواری که در اختیار دولت است، مانند تعرفه گاز و قیمت بنزین، نباید سراغ گران‌سازی رفت؛ بلکه مطابق برنامه هفتم پیشرفت باید با پیاده‌سازی، مصرف را کنترل کرد.

بروجردی: دستاورد تنگه هرمز را از دست نمی‌دهیم

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: ما به‌هیچ‌وجه حاضر نیستمیم به وضعیت قبلی برگردیم که دشمنان در شرایط حمله به جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرند. طبیعتا اختلاف‌نظرها بالاست، اما توصیه خود آمریکایی‌ها به ترامپ این است که واقعیت‌ها را ببیند و با ایران به توافق برسد. من فکر می‌کنم راه دیگری برای پایان جنگ وجود ندارد، البته احتمال از سرگیری درگیری هم هست. علاءالدین بروجردی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به صحبت‌های اخیر رئیس‌جمهور درباره مسیرهای پیش‌روی کشور، گفت: ما هم‌اکنون نیز در جنگ هستیم و ما هم جنگ غیرفعال، نظامی آمریکا، در آن طرف تنگه هرمز شاخ و شانه می‌کشد و ما با آنها مقابله می‌کنیم و این یعنی حالت جنگی است. او ادامه داد: آتش‌بس اعلام‌شده نیز ناپایدار و اطمینان‌ناپذیر است و هر لحظه ممکن است اتفاقی رخ دهد. خروجی همه این تحولات آن است که آمریکا باید واقعیت‌های صحنه را ببیند. بروجردی توضیح داد: آمریکا باید ببیند که بازنده این جنگ است و وضعیت در مقایسه با قبل از جنگ تحمیلی سوم کمالا تغییر رفتار، نظامی آمریکا، وجود ندارد که با داشتن پایگاه‌های متعدد در منطقه احساس قدرت کند و بتواند هر حرفی را که می‌زند، عملی کند؛ چه درباره اصل جنگ، چه درباره ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، چه درباره عملیات زمینی علیه کشورمان و چه درباره تنگه هرمز.

بروجردی خاطرنشان کرد: اگر این جنگ بخواد خروجی داشته باشد و از حالت «جنگ» و «نه جنگ و نه صلح» خارج شویم، باید طبیعتا آمریکایی‌ها مواضع خود را تعدیل کنند؛ چون ما به‌هیچ‌وجه دستاورد تنگه هرمز را از دست نخواهیم داد و به‌هیچ‌وجه وارد بحث مذاکره درباره غنی‌سازی هسته‌ای نخواهیم شد. غنی‌سازی حق مسلم و قانونی ملت ایران و پذیرفته‌شده در عرصه بین‌المللی است.

مهدی بازرگان: در حالی که طی روزها و هفته‌های اخیر، بخش عمده تمرکزها و تحلیل‌ها در قبال جنگ ایران، بیش از هر چیز بر سیاست‌ها و مواضع دونالد ترامپ، بنیامین نتانیاهو و همچنین رویکرد کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس متمرکز شده، اروپا نیز به تدریج در حال تبدیل‌شدن به یکی از اضلاع مؤثر و البته کم‌صداتر این معادله پیچیده ژئوپلیتیکی است؛ بازیگری که اگرچه در ظاهر تلاش کرده با ادبیات دیپلماتیک، دعوت به خوشبختنداری و به‌ریز از ورود مستقیم به جنگ، فاصله‌ای محتاطانه با تنش‌ها حفظ کند، اما در عمل آرام‌آرام در حال ایفای نقشی مکمل در یازل راهبردی واشینگتن و تل‌آویو است. لندن و پاریس در هفته‌های نخست جنگ کوشیدند برخلاف فشارهای آمریکا، از مشارکت مستقیم در تقابل نظامی علیه ایران اجتناب کنند و خود را در قامت میانجی یا بازیگری محتاط نشان دهند، اما اکنون همان قدرت‌های اروپایی با محور قراردادن مفاهیمی همچون «آزادی کشتیرانی»، «امنیت انرژی» و «ثبات تجارت جهانی»، در مسیر اجماع‌سازی سیاسی و امنیتی تازه‌ای علیه حرکتی حرکتی می‌کنند. نشست‌های مشترک لندن و پاریس درباره تنگه هرمز، سخن‌گفتن از مأموریت‌های چندملیتی، اعزام ناوها، تجهیزات مین‌یاب و سامانه‌های ضدپهپادی و همچنین تلاش برای بیونزدن امنیت اقتصادی اروپا به تحولات خلیج فارس، همگی نشان می‌دهد اروپا در حال بازتعریف حضور خود در منطقه است؛ حضوری که اگرچه با ادبیات «دفاعی» و «حفاظت از کشتیرانی» توجیه می‌شود، اما از نگاه تهران، در عمل بسترساز مشروعیت‌بخشی به مداخله جویی فرامنطقه‌ای در یکی از حساس‌ترین آبراه‌های جهان خواهد بود. اروپا اکنون می‌کوشد بدون ورود رسمی به جنگ، از مسیر ائتلاف‌سازی دریایی، فشارهای حقوقی و همراهی سیاسی با روایت امنیتی آمریکا، سهم خود را در مدیریت بحران ایفا کند؛ رویکردی که می‌تواند مداخلات شکننده خلیج فارس را وارد مرحله‌ای تازه و به‌مراتب پیچیده‌تر کند.

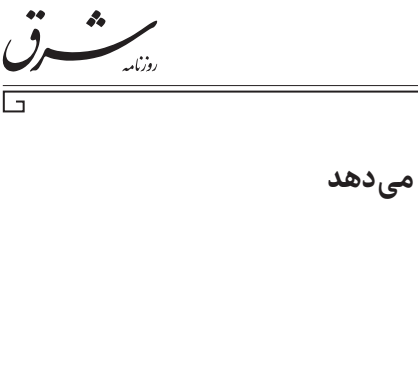
ائتلاف‌سازی لندن و پاریس؛ امنیت کشتیرانی یا بازگشت مداخله جویی غرب؟

در شرایطی که نااهمی‌های ناشی از جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران و به تیج آن تشدید تنش در خلیج فارس، اقتصاد اروپا را بیش از گذشته تحت فشار قرار داده است، انگلیس و فرانسه تلاش تازه‌ای را برای ائتلاف‌سازی در تنگه هرمز آغاز کرده‌اند؛ تلاشی که از نگاه منتقدان، بیش از آنکه اقدامی دفاعی باشد، بازگشت تدریجی غرب به الگوی مداخله جویانه در امنیت منطقه است، وزارت دفاع انگلیس روز سه‌شنبه اعلام کرد جان هیلی، وزیر دفاع این کشور، به همراه کاترین ووترین، وزیر نیروهای مسلح فرانسه، نشست مشترکی با حضور نمایندگان بیش از ۴۰ کشور درباره وضعیت تنگه هرمز برگزار کرده‌اند؛ نشستیی که محور اصلی آن بررسی مشارکت کشورها در یک مأموریت چندملیتی برای حفاظت از آزادی کشتیرانی عنوان شد. هرچند لندن و پاریس کوشیدند این ابتکار را اقدامی «فعلی، مستعمل و محدود» جلوه دهند، اما نقش ائتلاف‌سازی دریایی حضور در یکی از حساس‌ترین آبراه‌های جهان و آن‌هم در شرایط جنگی فعلی، از نگاه تهران معنایی جز تلاش برای مشروعیت‌بخشی به حضور فرامنطقه‌ای ندارد. جمهوری اسلامی ایران بارها تأکید کرده است که امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود و ورود بازیگران خارجی نهنتها به ثبات کمک نمی‌کند، بلکه خود



یکی از عوامل اصلی تشدید بحران است. دولت بریتانیا در بیانه رسمی خود اعلام کرد برای این مأموریت، تجهیزات مین‌یابی خودکار، جنگنده‌های تایفون، سامانه‌های ضدپهپادی و یک ناو جنگی اختصاص خواهد داد. همچنین بودجه‌ای معادل ۱۱۵ میلیون پوند برای اجرای این طرح در نظر گرفته شده است. لندن حتی از اعزام پهپادها و تجهیزات شناسایی دریایی سخن گفت تا نشان دهد در حال ایفای نقشی فعال در بحران هرمز است. بااین حال، مقام‌های انگلیسی هم‌زمان تصریح کردند که اجرای عملیاتی این مأموریت، منوط به «فراهم‌شدن شرایط مناسب امنیتی» خواهد بود؛ نکته‌ای که نشان می‌دهد این پروژه هنوز بیش از آنکه یک عملیات قطعی باشد، ابزاری برای فشار سیاسی، نمایش قدرت و اطمینان‌دهی به بازارهای نگران انرژی است. کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر انگلیس نیز در موضعی دوگانه تأکید کرد که لندن هرگز وارد جنگ علیه

ایران نخواهد شد و اگر توصیه برخی جریان‌های سیاسی را می‌پذیرفت، اکنون در «باتلاقی پرهزینه» گرفتار شده بود. این سخنان نشان می‌دهد اروپا به تنگه هرمز را در دستور کار قرار جنگ ندارد، اما در عین حال می‌کوشد از طریق حضور امنیتی و دریایی و از همه مهم‌تر اجماع‌سازی علیه تهران، سهمی فعال در مدیریت بحران داشته باشد. فرانسه نیز در موضعی مشابه تلاش کرده است حضور احتمالی خود را غیرتهاجمی توصیف کند. اما نائوتل مکرون، رئیس‌جمهور این کشور، اعلام کرد پاریس هرگز اعزام نیروی نظامی به تنگه هرمز را در دستور کار قرار نداده و صرفا به دنبال یک مأموریت امنیتی هماهنگ است. ماد برژون، سخنگوی دولت فرانسه نیز بارها تأکید کرده که تحرکات پاریس در منطقه «محصرا دفاعی» است. بااین حال، هم‌زمانی این اظهارات با حرکت ناو هوایمابر شارل دوگل به دریای سرخ و ریزینی‌های مشترک با لندن، موجب شده بسیاری این ادعاها را تلاشی برای کاهش حساسیت ارتقی کنند. از نگاه تهران، مشکل اصلی آنجاست که کشورهای که خود در حمایت سیاسی از فشارهای آمریکا و اسرائیل نقش داشته‌اند، اکنون می‌کوشند با ادبیات «آزادی کشتیرانی» و «امنیت انرژی» به بازیگران مشروع امنیت منطقه تبدیل شوند. به همین دلیل، مقامات ایرانی هشدار داده‌اند هرگونه حضور نظامی فرامنطقه‌ای در تنگه هرمز، با پاسخ قاطع جمهوری اسلامی



«شرق» از سیاست دوگانه اروپا در قبال جنگ ایران و معادلات تنگه هرمز و خلیج فارس گزارش می‌دهد

اروپا و معمای هرمز

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز در نشست خبری دوشنبه هفته جاری با هشدار نسبت به هرگونه مداخله کشورهای اروپایی در تحولات تنگه هرمز و غرب آسیا تأکید کرد که چنین اقداماتی تنها به پیچیده‌ترشدن بحران منجر خواهد شد. او گفت ایران به‌صراحت به کشورهای اروپایی اعلام کرده اجازه ندهند تحت تأثیر فشارهای آمریکا و رژیم صهیونیستی وارد بحرانی شوند که هیچ منفعتی برای آنها ندارد. سخنگوی دستگناه دیپلماسی ضمن اشاره به اینکه بسیاری از کشورهای اروپایی ماهیت «غیرقانونسی و تجاوزکارانه» جنگ علیه ایران را درک کرده‌اند، افزود: آنها تاکنون از همراهی علنی با این اقدامات خودداری کرده‌اند. بقایی همچنین ریشه نامنی در منطقه را تجاوز آمریکا و اسرائیل دانست و تصریح کرد: تنگه هرمز پیش از ۹ اسفند باز و امن بوده و اختلالات کنونی نتیجه مستقیم سیاست‌های تنش‌آفرین واشینگتن و تل‌آویو است. از منظر تهران، اروپا به‌جای پرداختن به ریشه‌های بحران، صرفا پیامدوار آن را هدف گرفته است. در واقع، غرب می‌کوشد یادمون‌اشاره به نقش آمریکا و اسرائیل در ایجاد تنش، ایران را عامل اصلی ناامنی معرفی‌سند؛ رویکردی که می‌تواند زمینه‌ساز مشروعیت‌بخشی به حضور گسترده‌تر نیروهای خارجی در خلیج فارس شود.

خلیج فارس در آستانه نظم امنیتی جدید؟

تنگه هرمز اکنون به یکی از مهم‌ترین کانون‌های رقابت ژئوپلیتیکی جهان تبدیل شده است؛ آبراهی که نه‌تنها شریان حیاتی انتقال انرژی جهان به شمار می‌رود، بلکه به صحنه‌ای برای رقابت قدرت‌های جهانی بر سر تعریف نظم امنیتی جدید منطقه نیز بدل شده است. اختلال در تردد کشتی‌ها، افزایش هزینه بیمه، نگرانی بازارهای انرژی و بحران زنجیره تأمین، فشار سنسیتی را بر اقتصاد اروپا وارد کرده و همین مسئله لندن و پاریس را به سمت ایفای نقشی فعال‌تر سوق داده است. اما پرسش اصلی آنجاست که آیا غرب واقعا به دنبال تأمین امنیت است یا در پی تثبیت حضوری بلندمدت در منطقه؟ تهران معتقد است اروپا و آمریکا به‌جای پذیرش نقش کشورهای منطقه در مدیریت امنیت خلیج فارس، می‌خواهند با استفاده از بحران، حضور نظامی خود را نهادینه‌کنند. جمهوری اسلامی ایران در هفته‌های اخیر تصریح کرده است که کلیه ترددها در تنگه هرمز باید با هماهنگی ایران انجام شود و کشتی‌های مرتبط با آمریکا و اسرائیل و متحدان آنها اجازه عبور نخواهند داشت. این موضع، نشان‌دهنده آن است که تهران مسئله هرمز را صرفا یک موضوع دریایی نمی‌بیند، بلکه آن را بخشی از معادله کلان امنیت ملی و بازآفرینی منطقه‌ای خود تعریف می‌کند. در چنین شرایطی، تحرکات انگلیس و فرانسه می‌تواند به‌جای کاهش تنش، بحران را وارد مرحله‌ای تازه‌کند. اروپا اگرچه تلاش دارد خود را بازیگری میانه‌رو و متمایل به دیپلماسی نشان دهد، اما در عمل، با ائتلاف‌سازی دریایی، تحریم‌های جدید و امنیتی‌سازی بحران، به بخشی از فشار راهبردی غرب علیه ایران تبدیل شده است. در نهایت، آنچه امروز در خلیج فارس جریان دارد، صرفا اختلافی بر سر آزادی کشتیرانی نیست، بلکه نزاعی عمیق بر سر تعریف نظم امنیتی منطقه است؛ نطمی که ایران بر پایه همکاری کشورهای منطقه و حذف مداخله خارجی تعریف می‌کند و غرب همچنان می‌کوشد آن را بر محور حضور نیروهای فرامنطقه‌ای و ائتلاف نظامی بازسازی کند.

یادداشت

جهان معاصر و امدار نقش ضربه‌گیرانه ایران

جهانی را بر دوش گرفته و از سرریزیدن آن به مناطق دیگر جلوگیری کرده است.

در بزگانه درگیری مستقیم میان آمریکا و جمهوری اسلامی ایران -چه در عرصه نظامی و چه در سطح فشارهای سیاسی- ایستادگی طولانی مدت و مقاومت ساختاری ایران، پیامدهای مهمی برای نظم جهانی داشت. نخست آنکه افسانه شکست‌ناپذیری ویکه‌نازی آمریکا را در نگاه عمومی و نخبگانی جهان با پرسش‌هایی جدی مواجه کرد. دوم آنکه انرژی سیاسی وروانی تصمیم‌گیران آمریکا، باز هم متمرکز بر این بحران شد؛ تمرکزی که در عمل از شدت مداخلات گسترده‌تر در سایر نقاط جهان کاست و فضای آرام‌تری برای بسیاری از کشورها فراهم کرد.

هم‌زمان با نزدیک‌شدن زمان انتخابات کنکره در آمریکا و نگرانی روزافزون ترامپ درباره پیامدهای سیاسی طولانی‌شدن این منازعه، سبب شد از سرعت و دامنه دخالت‌های خارجی آن کاسته شود و بخش بیشتری از ظرفیت تصمیم‌گیری هیئت حاکمه این کشور به مدیریت بحران و جنگ با ایران و کنترل هزینه‌های داخلی آن اختصاص یابد. برای بسیاری از دولت‌ها، این تمرکز جدید بر یک محور خاص، نوعی «فرصت نفس‌کشیدن» در برابر سیاست‌ورزی بیش‌بینی‌ناپذیر ترامپ در آمریکا بوده است. از این منظر، نقش ایران نهنتها در معادلات امنیتی غرب آسیا، بلکه در آرام‌ترشدن فضای ژئوپلیتیک جهان قابل توجه است. بازیگری که با قدرت بازدارندگی، تاب‌آوری تاریخی و مقاومت چندبُعدی خود، عملا ضربه‌گیر تنش‌هایی شد که می‌توانست سراسر جهان را بحران‌های دامنه‌دار روبه‌رو سازد.

در نهایت، اگرچه نظم جهانی جدید هنوز در حال شکل‌گیری است، اما ناظران واقع‌بین باید به این نتیجه اعتراف کنند که بخش قابل توجهی از آرامش نسبی حاکم بر جغرافیاهای حساس و تأثیر آن بر شکل‌گیرن نظم نوین، مدیون جمهوری اسلامی ایران است که ناخواسته، اما مسئولانه و یک‌تنه بار سنگین مقابله با سیاست‌های پرتنش و قلدرمآبانه ترامپ را بر دوش می‌کشد و از گسترش بی‌ثباتی به دیگر مناطق جلوگیری می‌کند.

در این نوشته اگرچه سعی شده عنوان موضوع به اختصار توضیح داده شود، ولی تصور بنده این است که مسترده فوق می‌تواند بستر مناسبی را برای بحث و بررسی گسترده‌تر در این باره فراهم آورد.

احمدناری

وقتی روح دین در مسلخ سیاست ذبح می‌شود

قربانیان همان تفکری هستند که شاید برای صیدنکردن یک ماهی در شب‌به احتیاط کند، اما برای تک‌تکه‌کردن ۱۶۸ دانش‌آموز در میناب، به‌تاهمی می‌تراشد. آنچه در خاک ایران رخ داد، امتداد همان الگوی جنایتی است که سال‌هاست قلب تپنده فلسطین، یعنی غزه را هدف قرار داده است. آمارهای غزه امروز از مرز فاجعه گذشته و به یک «پاکسازی نژادی» سیستماتیک تبدیل شده است. طبق گزارش‌های رسمی یونسف، در اوج درگیری‌ها، در هر ساعت، یک کودک قربانی بمباران‌ها می‌شوند. این یعنی هر ۱۵ دقیقه، یک روایا یک لیخند و یک آینه‌بره‌های همیشه خاموش می‌شود. برای اینکه چنین جنایاتی در بستر زمان به فراموشی سپرده شود، باید چشمان بیدار را کور کرد. از همین روست که خبرنگاران، کادر درمان و کارشناسان سلامت به اهداف مستقیم تبدیل می‌شوند. جان سیمپسون، سردبیر امور جهانی BBC، با تکیه بر یافته‌های مستند بین‌المللی، پرده از این واقعیت برمی‌دارد: «طبق گزارش سازمان گزارشگران بدون مرز، رژیم صهیونیستی امسال تقریبا مسئول نیمی از مرگ روزنامه‌نگاران در کل جهان است». بر اساس گفته‌های این سازمان، این وجدان‌های بیدار در سراسر جهان پرسند: عهد شنبه با کدام خدا بسته‌شده که پاداش وفاداری به آن، ساختن توبه‌های بی‌مغز و بی‌انگترتر، در حال بازنویسی تاریخ است. حرمت روزهای مقدس و ادعای پایبندی به شریعت، در تضادی آشکار با خون خردکنان قرار گرفته که در تهران و هرمزگان به زمین ریخته شده است. جنایت دشمنانه در حمله به مدرسه ابتدایی «شجره طیبه» در میناب، لکه‌ای سیاه بر پیشانی تمدنی است که خود را مدعی حقوق بشر می‌داند. در این حمله وحشیانه، ۱۶۸ نفر به شهادت رسیدند که اکثریت قاطع آنان کودکانی بودند که کیف‌های مدرسه‌شان تنها دارایی‌شان بود. این کودکان،

در قاموس تمامی ادیان الهی، احکام و شریعت بیش از آنکه مجموعه‌ای از محدودیت‌های خشک و بی‌روح باشند،

سپری برای حفاظت از جان، مال و بهکاهت انسان بوده‌اند. غایت دین، رساندن بشر به صلح درونی و بیرونی است. اما در تراژدی معاصر، با پدیده‌های هولناک روبه‌رو هستیم؛ قدرتمندانی که با تکیه بر قرائت‌های تحریف‌شده و کزینشی از متون مقدس، بر پوسته مناسک یای می‌فشارند، اما در همان حال، مغز انسانیت را با بمب‌های خوشه‌ای متلاشی می‌کنند. این بار دواوکس خونین، ما را به بازخوانی یکی از عبرت‌آموزترین داستان‌های کهن وامی‌دارد؛ داستانی که گوئی امروز در ابعادی وسیع‌تر و وحشتناک‌تر در حال تکرار است. داستان «اصحاب سبت» (یاران روز شنبه) در سنت‌های دینی، فقط یک حکایت تاریخی نیست، بلکه یک «تیپ‌شناسی اخلاقی» است. این روایت، سرگذشت گروهی از بنی اسرائیل است که طبق فرمان الهی از صید ماهی در روز شنبه منجوس کرده و روز یکشنبه صید می‌کردند. این فریکاری و ترحم بی‌میل مادی بر عهد الهی، در نهایت منجر به سقوط اخلاقی و عذاب آنها شد. اصحاب سبت نماد تاریخی کسانی هستند که با حفظ ظواهر دین و رعایت فرمالیستی احکام، در پی دوزدن بنیادین‌ترین اصول اخلاقی و انسانی هستند. امروز همان منطق اصحاب سبت، اما با ابزارهایی بسیار ویرانگرتر، در حال بازنویسی تاریخ است. حرمت روزهای مقدس و ادعای پایبندی به شریعت، در تضادی آشکار با خون خردکنان قرار گرفته که در تهران و هرمزگان به زمین ریخته شده است. جنایت دشمنانه در حمله به مدرسه ابتدایی «شجره طیبه» در میناب، لکه‌ای سیاه بر پیشانی تمدنی است که خود را مدعی حقوق بشر می‌داند. در این حمله وحشیانه، ۱۶۸ نفر به شهادت رسیدند که اکثریت قاطع آنان کودکانی بودند که کیف‌های مدرسه‌شان تنها دارایی‌شان بود. این کودکان،